

سید محمد مهدی موسوی



گزارشات

«۵»

# پنجساله سفارت ایران در لندن

شیخ محسن خان مشیرالدوله - ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ ه. ق

حقوق ایران در سیستان و بلوچستان:

از جمله تجاوزات بی سروصدا که در عصر قاجارها بر سرزمینها و مرزهای ایران صورت گرفته و مناسفانه نویسندگان و مورخین ایران کمتر بشرح و توضیح چگونگی دست درازی همسایگان و انتزاع قسمت هائی از خاک ایران در آن مناطق پرداخته اند. تغییراتی است که در مرزهای شمال شرقی و جنوب شرقی ایران بوجود آمده و در قسمت اول قطعات ذیقیمت شمال خراسان و ترکستان مورد تجاوز دولت تزاری روسیه واقع شده و در قسمت دوم نیمی از بلوچستان و سرزمینهای از خاک سیستان بوسیله انگلیسها از محدوده اصلی کشور ما منتزع و ضمیمه هندوستان گردیده است و این دست در ازبها غیر از سرزمینهای «هرات و قندهار و لاش و جوین و قراہ» و اراضی شرقی

خراسان که با دسیسه و توطئه امپراطوری انگلیس از ایران تجزیه گردیده و بموجب عهدنامه مورخ ۱۲۷۳ - ق پاریس دولت ایران برای همیشه از حقوق خود در آن قسمت‌ها صرف نظر کرده است .

متأسفانه برای نویسنده فرصت آنکه تاریخچه کامل حوادث و وقایعی که منتهی به تصرف سرزمینهای مزبور گردید را در اینجا نقل کنم وجود ندارد اما چون در ضمن گزارشات شیخ محسن خان از لندن چند گزارش مربوط به تحدید حدود مرزهای سیستان و بلوچستان وجود دارد که نشان‌دهنده جزء کوچکی از اقدامات استعماری برای دست درازی بکوشه‌ای از خاک ایران است ... فلذا قسمت‌هایی از آن گزارشات را ذیلاً نقل و تحقیق و بررسی کامل در زمینه چگونگی تجزیه و انتزاع سرزمینهای شمال شرقی و جنوب شرقی ایران را بعهده پژوهندگان تاریخ میگذارم .

### گزارش اول :

خدایگانا چنانکه با پوست ( پست ) گذشته ( بعرض حضور جناب مستطاب عالی رسانیدم در باب سیستان کاغذ مجدد به لرد کلارندون به همان مضامین که معروض افتاده بود نوشتم ؛ جوابی نزدیک به جواب سابق نوشته بودند سواد سؤال و جواب را بجهت مزید استحضار خاطر عالی اینک لفاً انفاذ میدارم ...

دستور العمل کافی به تامسون صاحب در این باب فرستاده‌اند . البته تا حال بندگان خدایگانی با مشارالیه قراردادی بر حسب مقصود داده‌اند ، چون در جواب اولی لرد کلارندون توسط و مداخله دولت انگلیس را در امر سیستان متعلق به فصل ششم عهدنامه پاریس نموده بود لهذا کمترین لازم دیدم که این مسئله را بی جواب نگذارم و رد نمایم و حالت حالیه سیستان را به دلایل حقه از تحت فصل ششم عهدنامه مزبور خارج نمایم تا در آینده سکوت ما را در مقابل این اظهار خود ناسخ کاغذ « لاردرسل » قرار ندهند . چنانکه بنظر کمیما اثر بندگان خدایگانی خواهد رسید کاغذ ثانوی کمترین در این باب در کمال متانت و استحکام نوشته شد ... بحمدالله تعالی حق دولت

علیه در سیستان ثابت است و دولت انگلیس نمیتواند علناً برخلاف قرارداد خود رفتار نماید ولی دور نیست؛ بلکه محققاً میخواهند به لطایف الحیل و اقدامات و اظهارات جدید خود حالت آنجا را مشتبه و متنازع فیه بگذارند و در مقام توسط؛ سیستان را از طرفین مجزا و موضوع نموده ایالت مستقله قرار دهند ... به اعتقاد فدوی مناسب آن است که اولیاء دولت جاوید آیت قرار داد گذشته را کافی شمرده از قرارداد جدید احتراز فرمایند و تا فرصت در دست است در تهیه اسباب حفظ حقوق خود در سیستان خودداری نفرموده و استعداد کافی بطوریکه مایه سد راه خیال افاعنه باشد در آن حدود فراهم آورند؛ دولت انگلیس نه حق شرکایت دارد و نه حق مداخله ولی امیدوارم انشاء الله بطور دلخواه کار بگذرد. لیکن در زمان صلح نیز عدم استعداد و خالی بودن حدود و ثغور طمع ملل همجوار را بحرکت می آورد ...»

(مر ۲۳۸-۲۳۹ گزارش مورخ ۱۳ محرم الحرام ۱۲۸۷ - ق) با اینکه توضیح و تشریح سابقه امر در باب نقشه دولت انگلیس در سیستان و یادآوری حوادثی که در آن روزها به تحریک و توطئه ایادی استعمار در آن قسمت از ایران صورت گرفته است بطوری که قبلاً هم ذکر گردید در این مقاله برای نویسنده ممکن نیست ... و مسلماً با مختصر دقت و توجه در گزارش وزیر مختار ایران در لندن خواننده عزیز سررشته قضیه را بدست خواهند آورد و از همین گزارش مختصر بوضوح پیداست که ایادی استعمار برای حفظ مستعمره بزرگ آسیائی ( هندوستان ) و در تعقیب اجرای برنامه قدیمی خویش دائر بتشکیل دولت های کوچک در کنار مرزهای هندوستان که حایل میان شبه قاره و ایران و دشمن بزرگ احتمالی؛ یعنی امپراتوری تزاری روسیه باشد؛ نقشه تأسیس کشور مستقل سیستان را طرح ریزی کرده اند ... و برای نیل به این هدف همانطور که پانزده سال قبل از این تاریخ در مورد مالکیت قندهار و هرات ولاش و جوین غائله اختلاف ایران و طوایف افغان و سرزمینهای متنازع فیه را برپا کرده اند ... ابتدا « شیرعلی خان » را مدعی ساخته و سیستان را سرزمین ما بهالنزاع قلمداد میکنند و متعاقب آن جنگ و گریزی در میانه

ایجاد می نمایند و سپس در پشت نقاب « امنیت و آرامش سرزمینهای مجاور و هم مرز هندوستان !! » و به بهانه « حقوق و منافع خویش » وارد گود شوند. و سرانجام خودیا دولت فرانسه را بعنوان « واسطه !! » وارد گود ساخته با قرار داد تنگین دیگری مشابه معاهده پاریس مورخ ۱۲۷۳ - ق کشور ظاهرأ مستقل سیستان را در جوار مرزهای مشترک ایران و هندوستان حایل سازند و چنانکه با انتزاع قندهار و هرات سرزمینهای شرقی خراسان افغانستان را در کنار قسمت دیگری از مرزهای شبه قاره بوجود آورند ..

اکنون دنباله گزارشات شیخ محسن خان وزیر مختار ایران در لندن را درباره سیستان ورق میزنیم:

« در باب سیستان نیز دوروز قبل بواسطه تکسر مزاج جناب لاردر کلاروندون با موسیو هامند ملاقات نموده تفصیل را گفتم ... با رالنس صاحب هم گفتگو کردم ... به حکومت هندوستان دستور العمل فرستاده خواهد شد که نصاب لازم به شیر علیخان در این باب داده شود. در این دو روز که با خود جناب لاردر کلاروندون ملاقات خواهم کرد آنچه لازم است گفتگو کرده و اگر ضرور شد تحریرأ و رسماً نیز ( ص ۲۱۶ گزارش مورخ ۱۶ ذی قعدة ۱۲۸۶ - ق )

**در گزارش بعدی می نویسد :**

« خدایکانا هفته قبل با چاپار فرانسه تفصیل سؤال و جوابی را که فی مابین وزارت امور خارجه انگلیس و سفارت سنیه در باب سیستان و بجزین تقریرأ و تحریرأ تا حال واقع شده است باسواد بعضی از تحریرات معروض داشته و انفاذ نموده ام ... چنانکه بتوسط تلفراف و در عریضه سابقه بعرض حضور جناب مستطاب عالی رسانیده ام ... آخرین قرار لاردر کلاروندون این شد که بتوسط شارژدافر خودشان از وزارت جلیله خارجه ( ایران ) استمزاج نمایند .. اگر میل اولیاء دولت جاوید آیت بتوسط دولت انگلیس باشد اقدام نموده . کار را در میان به اصلاح آورند و قراری با افغان بدهند که منبهد تخلف از اینقرار ننمایند ...

دوروز قبل لارنس صاحب ( معاون وزارت خارجه انگلیس ) به کمترین

خبر داد که از قرار تلفرام طامسن صاحب ( وزیر مختار انگلیس در تهران ) اولیاء دولت علیه توسط دولت انگلیس را قبول نموده اند !!! و در همین روزها مأموری برای اصلاح نامزد خواهد شد ... چند نفر را اسم برد .. کمترین « کلنل گلداسمیت » ( ۱ ) را که یکی از آنها بود تصدیق نمودم زیرا که هم خیر خواه و بی غرض است و هم معقول و درستکار !! و معروف خدمت بندگان - عالی هم هست ...

( س ۲۴۱ و ۲۴۲ گزارش مورخ ۲۶ محرم الحرام ۱۲۸۷ - ق )

از عبارات گزارش پیداست که مأمورین وزارت خارجه انگلیس و ایادی استعمار رندانه و در کمال استادی نام « کلنل گلداسمیت » را که با وزیر مختار ایران در لندن و وزارت خارجه ایران آشنائی قبلی دارد برای نماینده ایران تداعی نموده و سپس در کمال بزرگواری و ابراز حسن نیت او را بعنوان ( حکم ) یا ( داور ) مورد قبول برای تعیین و تشخیص مرزهای جنوب شرقی ایران در سیستان مأمور می کنند ...

وزیر مختار ایران در لندن با خوشحالی و سر بلندی به دولت متبوع و وزارت خارجه گزارش می دهد . . . که چون وساطت انگلیس ها مورد قبول دولت ایران قرار گرفت !! از میان افرادی که وزیر خارجه انگلیس در نظر گرفته بود « گلداسمیت » را تصدیق نمودم . . . زیرا « هم خیر خواه و بی غرض است ... و هم معقول و درستکار ... و هم معروف خدمت بندگان عالی است !!! » ( ادامه دارد )

۱- قولد اسمیت یا « کلنل گلد اسمیت » : قبل از این تاریخ خطوطی تلگرافی هند را که در جنوب ایران کشیده شده تحت نظر قولد اسمیت ایجاد شده و مدتی نیز ریاست تلگراف جنوب ایران را بعهده داشته است .